

بررسی میزان تأثیر شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پایه پنجم^۱

حسین قاسم پور مقدم^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی منطقه ۹ تهران صورت‌گرفته است. از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، تجربی است. جامعه نمونه ۲ مدرسه ابتدایی دخترانه است که به‌صورت تصادفی ساده از بین تمامی مدارس ابتدایی دخترانه منطقه ۹ انتخاب شده است و از هر مدرسه به‌صورت تصادفی ساده چهار کلاس و در مرحله بعد سه کلاس از یک مدرسه به‌عنوان گروه آزمایش و یک کلاس از مدرسه دیگر به‌عنوان گروه گواه انتخاب شده است. فرضیه‌های این تحقیق عبارت‌اند از: شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان پنجم ابتدایی تأثیر مثبت دارد. شیوه داستان‌گویی نمایشی بیش از دیگر روش‌ها در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. تأثیر شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن باتوجه‌به انواع داستان متفاوت است. بر اساس آزمون پرلز، از گروه گواه و آزمایش پیش‌آزمونی گرفته شده است و بعد از یک دوره داستان‌گویی برای گروه گواه، یک پس‌آزمون از هر دو گروه به عمل آمد. باتوجه‌به تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون، می‌توان گفت شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی فارسی، سواد خواندن، شیوه داستان‌گویی، دوره ابتدایی.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. H.ghasempour@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

داستان‌ها و افسانه‌ها همواره در رشد و کمال ذهنی و فرهنگی انسان‌ها مؤثر بوده‌اند و به‌نوعی زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه کار و تولید آن‌ها و رفتار، تفکر، احساس، مذهب، اخلاق و اعتقادات هر جامعه را نشان داده‌اند. درون‌مایه اصلی قصه‌ها آرزوی انسان‌ها بوده و هست. در واقع انسان‌ها نیازهایشان را با زبانی ساده و قابل فهم در قصه بیان می‌کنند. طرح مسائل هیجان‌انگیز و عجیب و ظهور عوامل طبیعی، غیرطبیعی و متافیزیکی باعث می‌شود شنوندگان از شنیدن قصه لذت ببرند و انگیزه یادگیری در آن‌ها بیش‌تر شود. کودکان با شنیدن افسانه‌ها، اسطوره‌ها و قصه‌های قومی درباره جهان و آنچه در آن است اطلاعاتی به دست می‌آورند و در ذهن خود، آرزوهای مطلوبشان را شکل می‌دهند. تقریباً تمام افسانه‌های اقوام و ملل گوناگون این ویژگی را دارند (بال‌هایم، ترجمه شریعت‌زاده، ۱۳۸۹).

خواندن مهارت مهمی برای کودک است؛ کودک با یادگیری خواندن قدم به دنیای جدیدی می‌گذارد که در زندگی، او را در معرض تحول عظیمی قرار می‌دهد. خواندن سبب روشنی و انسجام افکار و انضباط شخص می‌شود و به کودک کمک می‌کند تا بهتر با جهان خارج ارتباط برقرار کند. در جهان متمدن امروز، فردی که قادر به خواندن ماهرانه نیست یا با مشکلات و معضلات زیادی از جمله مشکلات عاطفی - روانی مواجه است، اما چه‌بسا اگر مشکلات خواندن چنین فردی به‌موقع شناسایی شود این معضلات نیز رخ ندهد. در سال‌های اخیر توجه کشورهای پیشرفته به مطالعه از جمله رشد خواندن، روش‌های آموزش خواندن، مشکلات خواندن، مطالعه و روش‌های تشخیص آن و ... جلب شده است. عمل خواندن، در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد. واژه‌ها معنا دارند و بنابراین خواندن ترجمان مستقیم نمادها به فکر یا گفتار است. البته اگر عمیق‌تر بکاوییم به‌سرعت متوجه می‌شویم که خواندن فرایند شگفت‌آوری است که در آن فعالیت‌های شناختی بسیاری به‌طور هم

زمان اتفاق می‌افتد. (گلاور^۳ و همکاران، ترجمه خرازی، ۱۳۹۳). فرایند خواندن صرفاً به مفهوم تشخیص کلمه نیست؛ بلکه رویه دیگر زبان گفتاری است، یعنی راهی برای ایجاد ارتباط و کسب اطلاعات، بنابراین خواندن بدون درک مطلب، در واقع مهارتی نیمه‌کاره و بدون کاربرد است. تونیس^۴ (۱۹۹۰) خواندن را مهارت تدریجی می‌داند که به‌مرور زمان و در حین رشد تکامل می‌یابد؛ ولی در اهمیت خواندن تأکید می‌کند که خواندن بر اساس نیاز زبان‌آموز و با گذشت زمان رشد می‌کند. یعنی زبان‌آموز به دلیل کسب موقعیت یا جایگاه اجتماعی بهتر در جامعه نیازمند خواندن است. ریورز^۵ (۱۹۹۱) خاطرنشان می‌کند که نظریه‌های اخیر آموزشی بر این باورند که باید راهکارهایی برای گسترش و آموزش مهارت خواندن، از سوی معلم در اختیار زبان‌آموزان قرار گیرد. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم خود زبان‌آموز به‌گونه‌ای مهارت خواندن را کسب نماید. چمبرز^۶ (۱۳۸۸)، سود جستن از داستان و نمایش خلاق امکانات متنوعی و مؤثری را در امر یادگیری به وجود می‌آورد. فلاد و سالوس^۷ (۱۹۸۴) «خواندن را عبارت از درک مطلب» می‌دانند. چستین (۱۹۹۸) خواندن را فرایندی می‌داند که شامل فعال‌سازی دانش مربوط، مهارت‌های زبانی مرتبط، برای تبادل اطلاعات از شخصی به شخص دیگر است. (رتیزامر، ۱۹۹۰) در نتیجه پژوهشی که در زمینه تأثیر تقویت مهارت خواندن در پیشگیری از افت تحصیلی انجام داده است، چنین اظهار می‌دارد که تقویت مهارت خواندن باید هرچه زودتر در مدارس شروع شود و کلاس‌های آن نیز توسط معلمان اداره شود که به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه دارند و خودپنداری مثبت را در آن‌ها پرورش می‌دهند. این روش باعث می‌شود که مهارت خواندن

۳. Glover

۲. Tonic

۴. Rivers

۵. Chambers

۶. Felad, salous

دانش‌آموزانی ترقی و بهبود یابد و این بهبودی خواندن باعث پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گردد. از نظر هریسن، کلین (۲۰۰۴) خواندن عاملی است که ارتباط مستقیم با پیشرفت بشریت دارد، چرا که علاوه بر افزایش مهارت‌های زندگی باعث گسترش دانش نیز می‌شود در واقع خواندن تأثیر بنیادی در توسعه تصورات، ذهنیات و واژگان ما دارد. «فرانک اسمیت» به‌عنوان اولین محقق، خواندن را به «عنوان یک طرح مداخله‌ای مستقیم خواننده در متن» معرفی می‌کند. او خواندن را به‌عنوان روش کاهش مجهولات می‌داند که برای تحقق این امر از طریق خواندن، چهار مرحله وجود دارد: «اطلاعات ترسیمی» اطلاعات آوایی (آواشناسی)، اطلاعات ترکیبی و اطلاعات معنایی. خواندن معطوف به درک نوشته شده و شناخت ارزش‌ها، معانی و مفاهیم کلمه‌ها، عبارات، جمله‌ها و دریافت دانستنی‌ها و معنی و مقصود پیامی است که نویسنده با نشانه‌ها و رمزهای کلامی نگاشته است (کریمی، ۱۳۸۷).

در اهمیت قصه‌گویی و تأثیر آن بر خواندن، افلاطون می‌گوید: باید پرستاران و مادران را وادار کنیم فقط قصه‌هایی را که پذیرفته‌ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند پرورشی که روح اطفال از راه گفتن قصه به دست می‌آورد، به‌مراتب بیش‌تر از تربیتی است که جسم آن‌ها با ورزش پیدا می‌کند. کودک با خواندن یا گوش سپردن به قصه بر توجه و دقتش به پیرامون خود می‌افزاید و درباره هر موضوع و پدیده‌ای فکر می‌کند. او از این راه مهارت‌هایی مثل خوب دیدن، خوب شنیدن، پرسیدن و به دنبال پاسخ بودن را به دست می‌آورد. تحقیقات نشان داده است کودکانی که از دوره آمادگی و پایه اول دبستان برایشان کتاب خوانده و قصه گفته‌اند، در پایه ششم در خواندن و نوشتن از بهترین دانش‌آموزان بوده‌اند. آن‌ها زبان و بیان نوشتاری روانی داشته‌اند و مهارت آن‌ها در استفاده از حروف ربط و جمله‌های وابسته برای سازگار کردن مطالب و افکار خود چشمگیر بوده است. بررسی کتاب، برپایی نمایشگاه‌های موضوعی، برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی برای بالابردن مهارت‌های هنری هم چون نویسندگی، نقاشی، خطاطی،

مجسمه‌سازی، موسیقی، قصه‌گویی و کارهای دستی و هنری، از دیگر فعالیت‌های مؤثر در بالابردن توان کودکان است (گرین، ترجمه آدینه پور، ۱۳۸۷).

داستان نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد؛ از طریق داستان‌ها و داستان‌های خوب، کودک به بسیاری از ارزش‌های اخلاقی پی می‌برد، پایداری، شجاعت، نوع‌دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و استقامت در مقابل زور و ستم ارزش‌هایی هستند که هسته مرکزی بسیاری از داستان‌ها و داستان‌ها را تشکیل می‌دهند. پرورش حس زیبایی‌شناسی در کودک، متوجه ساختن کودک به دنیایی که اطرافش را فراگرفته، پرورش عادات مفید در کودک، تشویق حس استقلال‌طلبی و خلاقیت کودک هدف‌های اصلی طرح داستان‌های خوب برای کودکان است. کودکان در دنیای داستان بازی می‌کنند، با داستان‌ها می‌خوانند، بیدار می‌شوند و زندگی می‌کنند. شلوغ‌ترین بچه‌ها با آرامش به داستان‌ها گوش می‌دهند، از داستان‌ها می‌آموزند و عبرت می‌گیرند و حتی در عالم خواب نیز داستان‌ها را دنبال می‌کنند، اگر داستان‌گو با دنیای بچه‌ها آشنا باشد و منطق آنها را بپذیرد، می‌تواند با بهره‌گیری از فنون داستان‌گویی، بذری تمام ارزش‌های بزرگ و کوچک اخلاقی و انسانی را در کودکان بکارد، چقدر خوب بود اگر در خانه یا مدرسه برای پرورش نیکوتر، حتی آموزش بهتر درس‌ها به فن داستان‌گویی توجه بیشتری می‌شد و آموزش داستان‌گویی به مدرسان و معلمان جزء برنامه‌های اصلی تربیت‌معلم قرار می‌گرفت. چرا داستان و داستان‌گویی به خواندن کودک کمک می‌کند؟ در بسیاری از موارد تکرار پیام‌های مستقیم اخلاقی و تربیتی نفوذ خود را روی کودک از دست می‌دهد؛ یکی از لذت‌بخش‌ترین راه‌های یادگرفتن ارزش‌ها، استفاده از روش‌های غیرمستقیم مانند داستان‌های مناسب است. کودک زمانی که ارزش‌ها را غیرمستقیم فرامی‌گیرد، علاقه به خواندن او فزونی گرفته و بر تمرین و مهارت خود می‌افزاید. کودک و حتی بزرگسالان به داستان علاقه دارند و این علاقه یک علاقه عمومی است. انتخاب کتاب داستان مناسب برای

کودکان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است علاوه بر اینکه محتوای کتاب از نظر نوشتاری باید سازگار با روحیات کودکان باشد، تصاویر و نقاشی‌های مربوطه نیز باید باعث گیرایی و جذب کودک شود. حتی چگونگی چاپ کلمات و تصویر هم برای جذب کودک عامل مناسبی است با توجه به اینکه کودک به ظواهر یک کتاب بیشتر اهمیت می‌دهد تا به باطن آن پس باید سعی شود تا در چاپ کتب کودکان از تصاویر جالب استفاده گردد. کتاب‌های قطور و سنگین گیرایی مناسب ندارند. نهایت ذوق و استعداد یک نویسنده کودک این است که خود را جای کودک فرض کند و از دیدگاه او به محیط پیرامون بنگرد. آوردن عبارات سخت و مشکل باعث خستگی و دل‌زدگی کودک از کتاب داستان می‌شود. چه بسا کودکی با در ماندگی از معنی کردن یک کلمه یا جمله کتابی آن را به کنار بگذارد و به دنبال کاری دیگر برود. برای کودکان زیر شش سال که هنوز خواندن را نمی‌دانند باید کتاب‌هایی با تصاویری انتخاب شود که کودک با دیدن تصاویر آن بتواند داستان کتاب را بدون خواندن کلمات آن دنبال کند. از نظر کودک تصاویری که دارای رنگ‌های شاد و عاری از جزئیات باشد خوب است. بهتر است تصاویر کتاب به صورت نقاشی باشد تا عکس، عکس گیرایی خیلی کمتری نسبت به نقاشی دارد. (حجازی، ۱۳۸۷)

با وجود اینکه کودکان خردسال نمی‌توانند کلمات در کتاب داستان را بخوانند؛ اما با دنبال کردن تصاویر کتاب و با دیدن کلمه‌های درشتی که در زیر آن تصاویر وجود دارد علاقه زیاد به کلمات چاپی در ایشان ایجاد می‌شود. هر نوع داستانی را نباید برای کودکان تجویز کرد داستان‌های کودکان باید همخوان با احساسات و علایق کودکان و هماهنگ با فضای ذهنی آنان باشد. دارای ساخت داستانی مناسب کودکان باشد و در کودک انگیزه‌های تعقیب ماجرا را ایجاد کند، هیجان‌انگیز و از منطق داستانی تبعیت کند. داستان مناسب کودک باید کوتاه و جذاب باشد، ساده باشد، در آنها از مطرح کردن شخصیت‌های متعدد و حوادث تودرتو و طرح پیچیده و مبهم خودداری شود. با ظرفیت روانی مخاطب و شرایط زمانی که در آن داستان

بیان می‌شود هماهنگ باشد. با مخاطبان خود همخوانی فرهنگی داشته باشد و به‌گونه‌ای نباشد که کودک از همان آغاز انتهای آن را حدس بزند. کودکان معمولاً داستان‌هایی را که آخرش را می‌توانند حدس بزنند دوست ندارند. همچنین یک داستان مناسب برای کودکان باید تأثیری مثبتی را در او به جای بگذارد و رفتارهای منفی را در او دامن نزند؛ مثلاً ترس را به جای شجاعت، دشمنی را به جای ایجاد روحیه دوستی و خودخواهی و حسادت را به جای بخشندگی و کمک، در او ایجاد نکند (ناعمی، ۱۳۸۷). در این تحقیق این فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- شیوه داستان‌گویی، در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی تأثیر مثبت دارد.
- ۲- شیوه داستان‌گویی نمایشی، در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی تأثیر مثبت دارد.
- ۳- داستان‌های تربیتی، تاریخی و تخیلی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی تأثیر متفاوتی دارد.

۱-۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات تجربی است. جامعه آماری تحقیق را دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی منطقه ۹ تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند و از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای دومرحله‌ای استفاده شده است. خوشه اول مدارس ابتدایی و خوشه دوم کلاس‌های پنجم ابتدایی است. برای انتخاب نمونه ابتدا دو مدرسه ابتدایی دخترانه از بین مدارس منطقه ۹ تهران انتخاب شده و پس از آن، چهار کلاس به‌صورت تصادفی برای اختصاص به گروه‌های آزمایش و گواه انتخاب شد. نمونه نهایی، تمامی دانش‌آموزان هر یک از کلاس‌های انتخاب شده است. در این پژوهش از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. نخستین مشاهده با اجرای یک پیش‌آزمون و دومین آن با اجرای یک پس‌آزمون انجام گرفته است. پس از انتخاب چهار کلاس به‌عنوان یکی از واحدهای نمونه، متون

داستانی تهیه شده در بین دانش‌آموزان چهار کلاس توزیع شد و پاسخ‌های آزمون جمع‌آوری گردید. سپس هر یک از چهار کلاس به صورت تصادفی به یکی از گروه‌های چهارگانه گواه و سه گروه آزمایشی اختصاص داده شد. پس از ده روز داستان‌های تهیه شده با مضامین تعیین شده و با روش اجرای از قبل مشخص شده به هر یک از کلاس‌ها ارائه شده و سپس پس‌آزمون به مرحله اجرا درآمد. برای تصحیح پیش‌آزمون و پس‌آزمون، نمرات خام دو آزمون پس از استخراج و تبدیل به متغیر، از یکدیگر تفریق شده است تا میزان پیشرفت مشخص گردد.

۲. یافته‌های پژوهش

۱- تأثیر شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی

جدول ۱: نتایج آزمون مقایسه میانگین یک متغیر در بین دو گروه مستقل

تفاوت پیش‌آزمون و پس‌آزمون					
آزمون مقایسه میانگین			آزمون مقایسه		
تفاوت	سطح خطا	درجه	آماره t	سطح خطا	آماره
۱/۵۳۷۶۳	۰/۰۱۷	۱۲۶	۲/۴۲۰	۰/۵۲۳	۰/۴۱۱

جدول ۲: نتایج آزمون مقایسه میانگین رتبه یک متغیر در بین دو گروه مستقل

گروه	تعداد	میانگین	جمع رتبه	آماره Z	سطح خطا
آزمایش	۹۳	۶۹/۵۹	۶۴۷۲/۰۰	-۲/۵۴۶	۰/۰۱۱
گواه	۳۵	۵۰/۹۷	۱۷۸۴/۰۰		
جمع	۱۲۸				

برای آزمون این فرضیه تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه و نمرات به‌دست‌آمده بر اساس دو گروه آزمایش و گواه مقایسه شده است. بر اساس داده‌های گردآوری شده از گروه آزمایش با استفاده از شیوه داستان‌گویی و گروه گواه بدون شیوه داستان‌گویی و مقایسه میانگین پیشرفت سواد خواندن در بین دو گروه، آماره t محاسبه شده بزرگ‌تر از آماره مقدار بحرانی مشاهده شده است. به بیان دیگر خطای محاسبه شده کوچک‌تر از $0/05$ است. در نتیجه فرضیه صفر با 95 درصد اطمینان رد شده و باتوجه‌به مثبت‌بودن آماره محاسبه شده، فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت استفاده از شیوه داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی تأیید شده است. این فرضیه با آزمون ناپارامتریک مقایسه میانگین رتبه در دو جامعه مستقل نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- تأثیر شیوه داستان‌گویی نمایشی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی

جدول ۳: نتایج آزمون مقایسه میانگین یک متغیر در بین دو گروه مستقل

تفاوت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در داستان‌گویی نمایشی و خواندن معمولی					
آزمون مقایسه میانگین			آزمون مقایسه		
تفاوت	سطح خطا	درجه	آماره t	سطح خطا	آماره F
۱/۹۱۵۴۷	۰/۰۰۷	۹۱	-۲/۷۶۹	۰/۵۶۸	۰/۳۲۸

جدول ۴: نتایج آزمون مقایسه میانگین رتبه یک متغیر در بین دو گروه مستقل

گروه	تعداد	میانگین	جمع	آماره Z	سطح خطا
------	-------	---------	-----	-----------	---------

		۱۱۱۴/۵۰	۳۴/۸۳	۳۲	خواندن
۰/۰۰۲	-۳/۱۷۲	/۵۰	۵۳/۳۹	۶۱	نمایشی
				۹۳	جمع

برای آزمون این فرضیه تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه و نمرات به‌دست‌آمده بر اساس دو گروه داستان‌گویی نمایشی و داستان‌گویی معمولی مقایسه شده است. بر اساس داده‌های گردآوری شده از گروه داستان‌گویی نمایشی و معمولی و مقایسه میانگین پیشرفت خواندن در بین دو گروه، آماره t محاسبه شده بزرگ‌تر از آماره مقدار بحرانی مشاهده شده است. به بیان دیگر خطای محاسبه شده کوچک‌تر از ۰/۰۱ است. در نتیجه فرضیه صفر با ۹۹ درصد اطمینان رد شده و باتوجه‌به مثبت‌بودن آماره محاسبه شده، فرضیه مبنی بر تأثیر مثبت شیوه داستان‌گویی نمایشی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر تأیید شده است.

۳- تأثیر داستان‌های تربیتی، تاریخی و تخیلی در پیشرفت سواد خواندن

دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی

جدول شماره ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین نمرات

تفاوت

وضعیت	مجموع مربع	درجه	میانگین	آماره F	سطح خطا
بین‌گروهی	۱۵۷/۷۳۹	۳	۵۲/۵۸۰	۵/۵۴۵	۰/۰۰۱
درون‌گروهی	۱۱۹۵/۵۰۳	۱۲۴	۹/۶۴۱		
جمع	۱۳۵۳/۲۴۲	۱۲۷			

برای آزمون این فرضیه تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه و نمرات به‌دست‌آمده بر اساس سه نوع داستان مقایسه شده است. بر اساس داده‌های

گردآوری شده از گروه نمونه و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، آماره F محاسبه شده بزرگتر از آماره جدول بحرانی مشاهده شده است و به بیان دیگر خطای محاسبه شده کوچکتر از ۰/۰۱ است. در نتیجه فرضیه صفر با ۹۹ درصد اطمینان رد و فرضیه تحقیق تأیید شده است. باتوجه به اینکه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه آزمون کلی است و جزئیات نتایج را نشان نمی‌دهد بنابراین برای مقایسه دو به دو تفاوت بین میانگین‌ها از آزمون تکمیلی توکی استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میانگین پیشرفت سواد خواندن در گروه گواه و گروه آزمایش با داستان تخیلی تفاوت معناداری با یک دیگر نداشته و به صورت معنادار کمتر از گروه آزمایش با داستان تاریخی است. گروه آزمایش تاریخی با آنکه بیشترین پیشرفت را دارد، اما تفاوت معناداری با گروه آزمایش داستان تربیتی ندارد. همچنین گروه آزمایش تربیتی با آنکه در مقایسه با گروه آزمایش تخیلی و گروه گواه از پیشرفت بیشتری در سواد خواندن برخوردار است؛ اما تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد. در نتیجه فرضیه تحقیق تأیید شده است و می‌توان پذیرفت که تاثیر روش داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی باتوجه به انواع داستان متفاوت است.

جدول ۶: نتایج آزمون مقایسه میانگین دوه‌دو با پس آزمون توکی

سطح خطا	خطای استاندارد	تفاوت میانگین (I-J)	(J) گروه چهارگانه	(I) گروه چهارگانه
۰/۳۶۱	۰/۷۹۶۰۸	۱/۳۰۴۹۶	گروه آزمایش دوم	گروه آزمایش اول
۰/۰۱۰	۰/۷۷۶۲۶	-۲/۴۶۸۷۵	گروه آزمایش	
۰/۹۸۳	۰/۷۵۹۴۴	۰/۲۸۱۲۵	گروه گواه	
۰/۳۶۱	۰/۷۹۶۰۸	۱/۳۰۴۹۶	گروه آزمایش اول	گروه آزمایش دوم
۰/۴۶۴	۰/۷۹۶۰۸	-۱/۱۶۳۷۹	گروه آزمایش	
۰/۱۸۱	۰/۷۷۹۶۹	۱/۵۸۶۲۱	گروه گواه	

۰/۰۱۰	۰/۷۷۶۲۶	۲/۴۶۸۷۵	گروه آزمایش	گروه آزمایش سوم
۰/۴۶۴	۰/۷۹۶۰۸	۱/۱۶۳۷۹	گروه آزمایش	
۰/۰۰۲	۰/۷۵۹۴۴	۲/۷۵۰۰۰	گروه گواه	
۰/۹۸۳	۰/۷۵۹۴۴	-۰/۲۸۱۲۵	گروه آزمایش	گروه گواه
۰/۱۸۱	۰/۷۷۹۶۹	-۱/۵۸۶۲۱	گروه آزمایش	
۰/۰۰۲	۰/۷۵۹۴۴	-۲/۷۵۰۰۰	گروه آزمایش	

جدول ۷: خلاصه نتایج آزمون مقایسه میانگین دوبه دو توکی

گروه بندی با ۹۵ درصد		تعداد	گروه چهارگانه
	۰/۰۰۰۰	۳۵	گروه گواه
	۰/۲۸۱۳	۳۲	گروه آزمایش
۱/۵۸۶۲	۱/۵۸۶۲	۲۹	گروه آزمایش
۲/۷۵۰۰		۳۲	گروه آزمایش
۰/۴۴۳	۰/۱۷۹		سطح خطا

جدول ۸: نتایج آزمون مقایسه میانگین نمرات تفاوت در بین چهار گروه

نوع داستان، تعداد نمونه و آماره‌های آزمون						شاخص
تخیلی	تربیتی	تاریخی	غیرداستانز	آماره f	۱۷/۹۶۹	
۳۲	۲۹	۳۲	۳۵	درجه	۳	تعداد
۵۲/۴۴	۷۳/۷۹	۸۲/۹۴	۵۰/۹۷	سطح	۰/۰۰۰	میانگین

جدول ۹: نتایج آزمون مقایسه میانگین رتبه نمرات تفاوت بین گروه‌های مورد بررسی

نوع داستان	تعداد	میانگین	مجموع	آماره z	سطح خطا
تخیلی	۳۲	۲۶/۲۷	۸۴۰/۵۰	-۲/۲۰۴	۰/۰۲۸
	۲۹	۳۶/۲۲	۱۰۵۰/۵۰		
تاریخی	۳۲	۲۵/۰۶	۸۰۲/۰۰	-۳/۲۱۶	۰/۰۰۱
	۳۲	۳۹/۹۴	۱۲۷۸/۰۰		
تخیلی	۳۲	۳۴/۱۱	۱۰۹۱/۵۰	-۰/۰۴۴	۰/۹۶۵
	۳۵	۳۳/۹۰	۱۱۸۶/۵۰		
تربیتی	۲۹	۲۸/۶۶	۸۳۱/۰۰	-۰/۹۹۱	۰/۳۳۲
	۳۲	۳۳/۱۳	۱۰۶۰/۰۰		
تربیتی	۲۹	۳۸/۹۱	۱۱۲۸/۵۰	-۲/۵۲۴	۰/۰۱۲
	۳۵	۲۷/۱۹	۹۵۱/۵۰		
تاریخی	۳۲	۴۲/۸۸	۱۳۷۲/۰۰	-۳/۵۸۷	۰/۰۰۰
	۳۵	۲۵/۸۹	۹۰۶/۰۰		

۳. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتیجه به‌دست‌آمده از تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و مقایسه پیشرفت سواد خواندن در بین دو گروه آزمایش و گواه، مشخص شده است که پیشرفت سواد خواندن در گروه آزمایش (استفاده از شیوه داستان‌گویی)، به‌صورت معنادار بیشتر است. این نتایج بیانگر این است که داستان‌گویی در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان دختر پنجم ابتدایی به‌صورت مثبت مؤثر است. بر اساس نتیجه به‌دست‌آمده از تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و مقایسه پیشرفت خواندن در بین دو گروه آزمایش شامل شیوه داستان‌گویی نمایشی و شیوه داستان‌گویی معمولی، مشخص شده است که پیشرفت سواد خواندن در گروه آزمایش

(داستان‌گویی نمایشی)، به صورت معنادار بیشتر است. این نتایج بیانگر این است که داستان‌گویی نمایشی در مقایسه با شیوه‌های دیگر در پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان پنجم ابتدایی به صورت مثبت مؤثر است. بر اساس نتیجه به دست آمده از تفاوت نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و مقایسه پیشرفت سواد خواندن در بین چهار گروه آزمایش شامل یک گروه گواه و سه گروه آزمایش با استفاده از داستان‌های تخیلی، داستان‌های تربیتی و داستان‌های تاریخی، مشخص شده است که به ترتیب بیشترین پیشرفت سواد خواندن در گروه آزمایش داستان‌های تاریخی، گروه آزمایش داستان‌های تربیتی و گروه آزمایش داستان‌های تخیلی روی داده است. گروه گواه که تحت هیچ داستانی نبوده است، هیچ پیشرفتی در خواندن نداشته است. پیشرفت خواندن در گروه داستان تاریخی به صورت معنادار بیشتر از گروه داستان‌های تخیلی بوده و تفاوت معناداری با داستان‌های تربیتی ندارد. با آنکه داستان تخیلی و تربیتی در مقایسه با گروه گواه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نشان داده است، اما از نظر آماری معنادار نیست. به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که داستان‌گویی با مضامین تاریخی بیشترین نقش را در پیشرفت خواندن ایفا می‌کند و داستان‌های با مضامین تخیلی کمترین نقش را در مقایسه داستان‌های با مضامین تربیتی و تاریخی در پیشرفت سواد خواندن دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- باتوجه به این که شیوه داستان‌گویی موجب افزایش سواد خواندن در دانش‌آموزان پنجم ابتدایی می‌شود، پیشنهاد می‌گردد مؤلفان کتاب‌های درسی، از متون داستانی بیشتر استفاده کنند.

۲- باتوجه به اینکه شیوه داستان‌گویی نمایشی در مقایسه با داستان‌گویی معمولی سبب افزایش سواد خواندن در دانش‌آموزان پنجم ابتدایی می‌شود، پیشنهاد می‌گردد معلمان، متون درسی را به صورت نمایشی تدریس کنند.

۳- باتوجه به این که داستان‌های تربیتی و تاریخی بیشتر از داستان‌های تخیلی سبب افزایش سواد خواندن دانش‌آموزان پنجم ابتدایی می‌شود، پیشنهاد می‌گردد مؤلفان کتب درسی ابتدایی، از داستان‌های تربیتی بیشتر استفاده کنند.

منابع

- اچسون، جین. (۱۳۸۴). روان‌شناسی زبان، ترجمه عبدالخلیل حاجتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بال‌هایم، برونو. (۱۳۸۹). افسون و افسانه‌ها، ترجمه اختر شریعت‌زاده. تهران: انتشارات هرمس.
- براهنی، رضا. (۱۳۹۲). داستان‌نویسی، تهران: انتشارات نو.
- بست، جان. (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی. تهران: انتشارات رشد.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۷). ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات روشنگران.
- داگلاس براون، اچ. (۱۳۹۲). اصول یادگیری و آموزش زبان، ترجمه منصور فهیم. تهران: انتشارات رهنما.
- دلاور، علی. (۱۳۸۶). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش
- چمبرز، دیویی. (۱۳۸۸). داستان‌گویی و نمایش خلاق، ترجمه ثریا قزل ایاغ. تهران: نشر دانشگاهی.
- رایلی، جنی. (۱۳۹۰). آموزش خواندن، ترجمه سید علی‌اکبر مرعشی و سیروس حدوث. تهران: انتشارات مدرسه.
- روشن، آرتور. (۱۳۸۹). داستان‌گویی، ترجمه بهزاد یزدانی و مژگان عمادی. تهران: انتشارات جوانه.
- رینر، کیث، پولچک، الکساندر. (۱۳۸۸). روان‌شناسی خواندن، ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زندى، بهمن. (۱۳۹۰). اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزش زبان فارسی، تهران: انتشارات پیام‌نور.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). روش‌های یادگیری و مطالعه، تهران: نشر دوران.

- قاسم‌پور مقدم، حسین. (۱۳۸۷). بررسی مبانی فلسفی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی برنامه درسی زبان فارسی در دوره ابتدایی، فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، سال سوم شماره ۹.
- قاسم‌پور مقدم، حسین و همکاران. (۱۳۸۸). ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات آیندگان.
- کولینان، برنیس، ای. (۱۳۹۲). برایم بخوان، ترجمه فاطمه امین ناصری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گرین، الین. (۱۳۸۷). هنر و فن قصه‌گویی، ترجمه طاهره آدینه پور. تهران: انتشارات ابجد.
- گل‌اور، جان‌ای. برونینگ، راجاچ. (۱۳۹۳). روان‌شناسی تربیتی، ترجمه علی‌نقی خرازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ناعمی، علی‌محمد. (۱۳۸۷). روان‌شناسی آموزش خواندن. مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
- نورتون، دونا. (۱۳۸۲). شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها، مترجمان: منصوره راعی، ثریا قزل‌ایاغ و دیگران. تهران: نشر قلمرو.
- Baker, I. (1984). Development of Comprehension, The Impact of the Directed Reading Lesson.
- Chastain, Kenneth (1998). Developing Second Language skills: Theory and Practice 3rd ed. Harcourt Brace Jovanovich.
- Cherion, V.I. (1994) Family reading Habits and Academic Achievement of children from Polygons, Monogamous, Divorced, and Vondivorced Families, Journal of Perceptual and Motor Skill.
- Cook, Vivian. (2006). Second Language Learning and Language Teaching, Arnold Oxford University press. New York.
- Douglas brown, H. (2004). principles of language learning and teaching, San Francisco State, University.
- Ellis, A, & Beatie, G (1986) The Psychology of Language and Communication New York: Guilford.
- Freeman, Diane Larsen. (1996). techniques and principles in language teaching, oxford university press.
- Goodman, Kenneth. (1972). Reading: A Psycholinguistics Guessing Game Journal of the reading, Specialist, 6, 126, 130.
- Harrison, Colin. (2004), understanding Reading Development, EC 2A4Pu.

- Harris, A.J., & Sipay, E.R.(۱۹۷۵).How to increase reading ability (۶th.ed.).
- Oakhill, J.V.and Garuham , A.(۱۹۸۸).Becoming a Skilled Reader Oxford: Blackwell.
- Smith,P.K.(۱۹۹۸).Understanding Children's development , Massachusetts, Blackwell Publishers Inc.
- Stern, H.H.(۱۹۹۳). Fundamental concepts of language Teaching, oxford university press.
- Richards, Jack.C and Theodore S.Rodgers,(۲۰۰۷). approaches and methods in language teaching, Cambridge university press.
- Reiner,k.,& Pollatsek , A.(۱۹۸۹).The Psychology of reading. Englewood cliffs,NJ:prentice-Hall.
- Rivers,Wilga,M.(۱۹۹۱).teaching-Language skills,Long man, the University Of Chicago Press.

